

## تحلیل تضاد کنشگران اجتماعی در عرصه‌های منابع طبیعی و تأثیرات آن بر جامعه روستایی (مورد مطالعه: شهرستان بروجن)

\* مهدی قاسمی<sup>۱</sup>، اسماعیل کریمی دهکردی<sup>۲</sup>، عطاالله ابراهیمی<sup>۳</sup>

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.  
 ۲- دانشیار، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.  
 ۳- دانشیار، گروه مرتع و آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

### حکیده

تاریخ دریافت: ۱۹ تیر ۱۳۹۵  
 تاریخ پذیرش: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶

منابع طبیعی یکی از ارکان جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌هاست و بسیاری از نیازهای ضروری آدمی مانند خوراک، پوشاک و مسکن از وجود چنین منابعی حاصل می‌شود. اما تلاش برای برآورده کردن نیازهای معیشت خانوار، گاه باعث ایجاد تضاد و درگیری بین ذی‌نفعان منابع طبیعی می‌شود که تأثیرات نامطلوبی بر معیشت آن‌ها می‌گذارد. از این رو، هدف این پژوهش ترسیم الگوی تضاد بین کنشگران و تحلیل تأثیر این تضادها بر جامعه روستایی در حوضه‌های دوراهان و چشمه‌علی در استان چهارمحال و بختیاری است. در این زمینه از روش‌شناسی کیفی شامل طرح مطالعه چندموردی با واحدهای تحلیل چندگانه استفاده شد. بنابراین، در گردآوری داده‌ها، روش‌های کیفی مانند مشاهده، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، گروه‌های متمرکز، نقشه‌کشی‌ها و نمودارهای ون به کار رفت. داده‌ها در نهایت، با روش ارزیابی الگوی تضاد، ترسیم و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که وجود منافع مختلف بین کنشگران باعث ایجاد تضاد در سطوح متفاوت بین آن‌ها می‌شود. همچنین، تضاد بین کنشگران باعث تضعیف معیشت خانوارهای روستایی، مهاجرت خانوارها از روستاها و کاهش سرمایه‌های اجتماعی می‌شود. با وجود پیامدهای منفی، تضاد در برخی موارد نتایج مثبت بر جای گذاشته است؛ برای مثال، اقدامات کارشناسان منابع طبیعی در حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از بهره‌برداری‌های بی‌رویه، با وجود تضاد، باعث بهبود پوشش گیاهی در بعضی مناطق شده است.

### کلیدواژه‌ها:

کنشگران اجتماعی، تضاد، مدیریت منابع طبیعی، معیشت خانوارها، جامعه روستایی

صورت پایدار برای آن‌ها تولید علوفه کنند) چرا می‌شوند و مستعد فرسایش و تخریب شده‌اند؛ به گونه‌ای که میزان تخریب سطح جنگل‌ها و مراتع کشور ۳۶۰ متر مربع در ثانیه برآورد شده است (Makhdoum, Jafarzade, Darvishsefat, & Makhdoum, 2012). چالش بسیار مهم دیگر در منابع طبیعی، مسئله فرسایش خاک است که یکی از پیامدهای مهم تخریب مراتع نیز به شمار می‌آید. فرسایش خاک مسئله‌ای جهانی است، اما شدت آن در آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی بیشتر است. در آمریکا و اروپا فرسایش سالانه خاک در اراضی کشاورزی به حدود ۱۰ تن در هکتار می‌رسد که این میزان باز هم بیشتر از وضعیت طبیعی فرسایش خاک است.

بنابراین، هنوز ۹۰ درصد از زمین‌های زراعی آمریکا خاک خود را سریع‌تر از روند طبیعی از دست می‌دهند (Karamidehkordi, 2012). در ایران نیز میزان فرسایش خاک از یک میلیارد تن در سال ۱۳۵۵ به ۱/۵ میلیارد تن در سال ۱۳۶۵ و به ۲/۵ میلیارد تن در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است (Management and Planning Organisation, 2008; Agheli & Sadeghi, 2005).

### مقدمه

در حوضه‌های آبخیز چالش‌های متعددی وجود دارد. یکی از چالش‌های جدی در منابع طبیعی و حوضه‌های آبخیز کشور، تخریب کمی و کیفی مراتع و پوشش گیاهی است که عوامل مختلفی در آن دخیل هستند. برخی از مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: افزایش تعداد دام، چرای بی‌رویه و مفرط، بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع طبیعی مانند جنگل، چرای زودرس، تغییر کاربری اراضی و تضاد بین بهره‌داران و غیره. (Roudgarni, Anssari, & Farahani, 2011; Seyed Akhlaghi, Ansari, & Yusof Kalafi)

در این میان، موضوع تخریب پوشش گیاهی مراتع به علت فشار بیش از حد چرا بر مراتع یا از بین رفتن تنوع زیستی گیاهی بارها مطرح شده است. بر اساس برخی برآوردها، بیش از نیمی از مراتع جهان، بیش از ظرفیت مرتع<sup>۱</sup> (تعداد دامی که مراتع می‌توانند به

1. Capacity range

\* نویسنده مسئول:

مهدی قاسمی

نشانی: زنجان، دانشگاه زنجان، دانشکده کشاورزی، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی.

تلفن: ۴۵۲۹۸۹۸ (۹۳۹) +۹۸

پست الکترونیکی: Mehdiqasemi1990@yahoo.com

اجتماعی و تأثیرات آن بر معیشت پایدار خانوارهای روستایی و همچنین راهبردهای مدیریتی این تضاد بررسی شده است.

### مروری بر ادبیات موضوع

برای بررسی تضاد لازم است تا ابتدا تحلیلی درباره ذی‌نفعان صورت گیرد. تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان را می‌توان روشی برای درک سامانه، با شناسایی کنشگران کلیدی یا ذی‌نفعان در سامانه و ارزیابی منافع آن‌ها در آن سامانه تعریف کرد (Grimble & Chon cited Hijorts, Christensen, & Tarp, 2005). رامیرز<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) چهار دلیل برای انجام تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان معرفی می‌کند که عبارت‌اند از: (۱) تجربه‌ای برای کشف الگوهایی از تعاملات؛ (۲) تحلیلی برای بهبود مداخله‌گری‌ها؛ (۳) به مثابه ابزار مدیریتی در سیاست‌گذاری‌ها و (۴) به مثابه ابزاری برای پیش‌بینی تضاد. او همچنین چارچوبی برای یکپارچه‌سازی تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان و مدیریت تضاد پیشنهاد می‌دهد.

این چارچوب بیانگر آن است که تعامل و مشارکت اولیه ممکن است با کنشگری ایجاد شود که به دنبال درک پویایی‌ها و مسائل مربوط به وضعیتی خاص است؛ قبل از اینکه بخواهد در وضعیت بدون تضاد مداخله داشته باشد (تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان). همچنین، ممکن است این تعامل اولیه با مداخله‌کننده یا گروهی ایجاد شود که با تضادهای اجتماعی روبه‌رو شده باشند (مدیریت تضاد). زارتمن<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) در تعریف تضاد بیان می‌کند که اصطلاح تضاد، جریان معنایی خاص در ادبیات علوم اجتماعی دارد که گاه پدیده‌ای منفی و گاه رخدادی عادی یا تسهیل‌کننده‌ای مثبت تلقی می‌شود. همچنین، فیشر<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) تضاد را ناسازگاری بین اهداف یا ارزش‌های بین دو یا چند گروه که با هم روابط دارند تعریف می‌کند که با کنترل گروه‌ها بر یکدیگر و احساس خصمانه نسبت به هم همراه است. او همچنین در پژوهش خود منابع ایجاد تضاد را در سه نوع اقتصادی، ارزشی و قدرت معرفی می‌کند.

ریچل<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود نشان دادند که بین گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از منابع طبیعی اختلاف و درگیری وجود دارد. یکی از دلایل تضاد بین گروه‌های متعدد مانند ماهی‌گیران جاوایی، کشاورزان ساندانسی در مرکز و غرب جاوا و صاحبان مزرعه میگو، استفاده از زمین و جنگل‌های مانگرو<sup>۸</sup> (چندل) است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که امکان درگیری بین گروه‌های مختلف ذی‌نفع در تالاب سگارا آناکان<sup>۹</sup>، زمانی کاهش می‌یابد که مشکل کمبود منابع طبیعی کاهش یابد.

در همین زمینه، به گفته شفییعی، رضوانفر، حسینی و سرمیدیان (۱۳۸۷)، ایران از نظر حجم فرسایش خاک در میان کشورهای منطقه رتبه نخست و در جهان رتبه دوم را دارد. جنگل‌ها نیز بخش وسیعی از مراتع را در برمی‌گیرند. بر اساس ارزیابی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)<sup>۲</sup>، در سال ۲۰۰۵، مساحت کل جنگل‌های دنیا تقریباً چهار میلیارد هکتار تخمین زده شد (Food and Agriculture Organization, 2006). با وجود پیشرفت چشمگیر در زمینه حفاظت و جنگل‌کاری، تحلیل روند مساحت جنگل‌ها هنوز میزان زیاد تخریب جنگل‌ها بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ را نشان می‌دهد. میزان کل تخریب جنگل‌ها طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ حدود ۱۳ میلیون هکتار در سال بود، اما میزان خالص تخریب جنگل در سال‌های بین ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ برابر با ۸/۳ میلیون هکتار، در سال‌های بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ برابر با ۷/۳ میلیون هکتار و در سال‌های بین ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ برابر با ۵/۲ میلیون هکتار بوده است. این میزان تخریب نتیجه تبدیل جنگل‌ها به اراضی کشاورزی و تلاش ناکافی برای جنگل‌کاری، احیای محیط سبز و گسترش طبیعی جنگل‌ها و همچنین وابستگی معیشتی مردم است (Karamidehkordi, 2012).

بخشی دیگر از این چالش‌ها به انسان‌ها و تضاد بین آن‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی مربوط می‌شود. در حقیقت، کمبود منابع طبیعی از یک طرف، و نیازهای مردم برای برآوردن معیشت خود از طرف دیگر، موجب افزایش بهره‌برداری‌ها از منابع و بروز اختلاف و درگیری بر سر استفاده از منابع طبیعی و تهدید معیشت مردم می‌شود (Reichel, Fromming, & Glaser, 2009). در همین زمینه، انصاری، سیداخلاقی و قاسمی (۲۰۰۹) در پژوهش خود تضاد بین استفاده‌کنندگان از مراتع را یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تخریب منابع طبیعی معرفی می‌کنند. بررسی هالتاس<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) در ۱۸ کشور این موضوع را نشان می‌دهد که هرگونه مدیریت پیچیده منابع طبیعی باید مسائل مالکیت منابع طبیعی، تخصیص قدرت برای مدیریت و کنترل منابع طبیعی و سهم کردن منافع منابع طبیعی را در نظر بگیرد.

توجه‌نکردن به این موضوع سبب ایجاد تضاد بین منافع مختلف ذی‌نفعان آن می‌شود. مصاحبه‌ها و جلسات اولیه با کارشناسان اداره کل منابع طبیعی استان چهارمحال و بختیاری نشان داد یکی از مسائلی که در تشدید بحران‌های آبی‌خاکی و تخریب پوشش گیاهی مؤثر است و پروژه‌های مربوط به آن‌ها را با محدودیت مواجه می‌کند، ناهماهنگی و اختلاف نظر ذی‌نفعان یک حوضه، به‌ویژه بین کنشگران بیرونی و درونی اجتماعات روستایی است. این موضوع این سؤال را برای آن‌ها مطرح کرده است که عوامل ایجاد این اختلافات و تأثیر این تضادها بر معیشت خانوارهای روستایی چیست. از این رو، در این پژوهش تضاد کنشگران

4. Ramirez

5. Zartman

6. Fisher

7. Reichel

8. Mangrove

9. Segara Anakan

2. FAO (Food and Agriculture Organization)

3. Helvetas

و مطالعات گرینبیل و ولارد<sup>۱۷</sup> (۱۹۹۷)، تضادهایی که در جهان بر سر منابع رخ می‌دهند، در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند: الف) تضادهای خردخرد بین گروه‌های اجتماعی<sup>۱۸</sup> درون اجتماعات؛ ب) تضادهای خردخرد بین گروه‌های اجتماعی<sup>۱۹</sup> اجتماعات مختلف و ج) تضادهای خردکلان بین گروه‌های اجتماعی<sup>۲۰</sup> و کنشگران بیرونی دولت، بخش خصوصی یا سازمان جامعه مدنی.

### روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ نوع مخاطب و استفاده از نتایج آن، پژوهش کاربردی تلقی می‌شود. در این پژوهش برای تحلیل تضاد از روش ارزیابی الگوی تضاد استفاده شد (Sauer, 2008). تجزیه و تحلیل الگوی تضاد، ابزاری تحلیلی برای تجزیه و تحلیل کنشگران قبل از فرایند مشارکتی است. تجزیه و تحلیل الگوی تضاد ظرفیتی دارد که به کمک آن می‌توان ابزارهای مشارکتی کافی برای پرداختن به این موارد را انتخاب کرد: ۱) کنشگران، شامل روابط، حوزه عمل و منابع آن‌ها؛ ۲) تضادهای متأثر از زمینه سیاسی؛ ۳) پیوند به راهبری مناسب و روش‌های مشارکتی. چارچوب مفهومی تحت ساختار تجزیه و تحلیل الگوی تضاد، این درک از مدیریت منابع طبیعی را فرایندی سیاسی، و کنشگران و اثر متقابل آن‌ها را عناصر اصلی در آن می‌بیند.

کنشگران جمعی مانند اداره‌های عمومی یا انجمن‌ها، به‌ویژه نقش مهمی در مدیریت منابع طبیعی ایفا می‌کنند. بنابراین، با مشخصات انواع کنشگر، جهت‌گیری‌ها و منابع، رسم تصویری از وضعیت در عرصه کنشگر ممکن می‌شود. در حقیقت، الگوی تضاد بر مبنای جدول گرافیکی دوبعدی شکل می‌گیرد که در بعدی از این جدول، نمادها و گروه‌ها در سطوح جغرافیایی مختلف (از مزرعه، محل و اجتماعات روستایی گرفته تا سطح ملی و فراتر از آن) جای دارند و در بعد دیگر این جدول، کنشگران بیرونی و اقدامات جوامع روستایی قرار می‌گیرند. سپس، در هر خانه نوع تضاد یا هم‌سویی منافع و برنامه‌ها مشخص می‌شود (Sauer, 2008). این پژوهش جزو مطالعات چندموردی نهفته<sup>۲۱</sup> است و تحلیل شواهد هر روستا به مثابه واحدهای تحلیل درون هر حوضه، به منزله مورد<sup>۲۲</sup> محسوب می‌شود (Yin, 2003).

بنابراین، دو حوضه آبخیز دوراهان و چشمه‌علی واقع در دهستان دوراهان و بخش گندمان شهرستان بروجن در استان چهارمحال و بختیاری در قالب دو مورد مطالعه شدند (تصویر شماره ۱) و در هر حوضه، روستاهای مختلف به مثابه واحدهای

همچنین، برای مقابله با این پیچیدگی‌ها، نظام راهبری و مدیریت طولانی‌مدت اثربخش در منطقه ساحلی پیشنهاد شده است. این راهبری باید سازوکارهای کنترل در مناطق ماهی‌گیری، افزایش منابع درآمدی اضافی برای جمعیت محلی و از همه مهم‌تر، فراهم کردن امکان انسجام و ورود جامعه در اقدامات توسعه از طریق مشارکت فعال آن‌ها در برنامه‌ریزی را دربرگیرد. اولیر<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۵) در پژوهش خود تحت عنوان «مسائل منابع در تضاد منطقه‌ای» بیان می‌کند که اگرچه یکی از دلایل ایجاد تضاد بین گروه‌های ذی‌نفع، کمبود منابع است، و فور منابع نیز نقش بالقوه‌ای در ایجاد تضاد دارد. از این رو، زیست‌بوم سیاسی را در زمینه‌های خاص مناقشه‌آفرین، به مثابه رویکردی مناسب به رسمیت می‌شناسد. ساوتر<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۸) نشان داد که با استفاده از تجزیه و تحلیل الگوی تضاد<sup>۱۲</sup>، همچنین مشخص کردن انواع کنشگران و جهت‌گیری‌ها، منافع و منابع آن‌ها، می‌توان الگویی از وضعیت کنشگران در این عرصه ترسیم کرد.

با مجموعه این اطلاعات می‌توان روش‌های مختلف مشارکتی را مقایسه و طبقه‌بندی کرد؛ این موضوع به خصوص در سطح محلی و منطقه‌ای می‌تواند اولین قدم برای پیاده‌سازی و موفقیت راهبرد مشارکتی باشد. با استفاده از روش تجزیه و تحلیل الگوی تضاد که روشی نیمه‌رسمی<sup>۱۳</sup> است، می‌توان کنشگران کلیدی، روابط و تعاملات آن‌ها میان یکدیگر، همچنین باورها، منافع و منابع اصلی آن‌ها را شناسایی کرد. هورتس، کریستنسن و تارپ<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۵) در پژوهش خود تحت عنوان «ارزیابی سریع ذی‌نفعان و تضاد»<sup>۱۵</sup> برای مدیریت منابع طبیعی با استفاده از نقشه‌های شناختی بیان می‌کنند که وجود ذی‌نفعان مختلف یکی از عوامل مؤثر بر تضادهاست. بنابراین، تحلیل ذی‌نفعان می‌تواند یکی از ابزارهای مهم برای پیش‌بینی این تضادها باشد. در این زمینه آن‌ها روش ارزیابی سریع ذی‌نفعان و تضاد را معرفی می‌کنند که با آن می‌توان شیوه‌ای کارآمد را برای درکی جامع و انتقادی از وضعیت مدیریت پیچیده منابع ارائه کرد.

سانگینا، کاموگیشا و مارتین<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۷) در پژوهش خود این فهم متعارف را که «درگیری‌ها فراگیر هستند و شیوع درگیری مانع اصلی برای پذیرش فناوری‌های مدیریت منابع طبیعی است» به چالش می‌کشند و برعکس، نشان می‌دهند که درگیری‌ها ممکن است نتایج مثبت داشته باشند و مشوق‌هایی برای پذیرش فناوری‌های مدیریت منابع طبیعی و همچنین ظرفیتی برای تغییرات اجتماعی مثبت ارائه دهند. به طور کلی، بنا بر دیدگاه‌ها

17. Grimble &amp; Wellard

18. Inter micro-micro conflicts

19. Intra micro - micro conflicts

20. Micro-macro conflicts

21. Embedded multiple case study

22. Case

10. O'Lear

11. Sauer

12. CPA (Conflict Pattern Analysis)

13. Semi-formalised

14. Hjorts, Christensen &amp; Tarp

15. RSCA (Rapid stakeholder and conflict assessment)

16. Sanginga, Kamugisha &amp; Martin



تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مطالعه شده

مختلف قرار می‌گیرند و در سطحی دیگر از این جدول، رویکرد کنشگران بیرونی و اقدامات جوامع روستایی جای دارند.

سیس، در هر خانه نوع تضاد یا هم‌سویی منافع و برنامه‌ها مشخص می‌شود. در تحلیل تأثیر این تضادها بر جامعه روستایی، مهم‌ترین معیارهای مد نظر عبارت بودند از: مالکیت در منابع طبیعی، قدرت هر یک از ذی‌نفعان مختلف در منابع طبیعی، تغییر راهبردهای مبتنی بر وابستگی چرای دام و کشت محصولات زراعی به مراتع، کشاورزی خارج از مراتع، فعالیت‌های غیرکشاورزی و مهاجرت نیروی انسانی خانوار. قابلیت اعتماد<sup>۲۳</sup> فنون و ابزارهای کیفی به این صورت بررسی شدند: (۱) باورپذیر بودن<sup>۲۴</sup> که با روایی درونی موازی است؛ (۲) قابلیت انتقال<sup>۲۵</sup> که با روایی بیرونی موازی است؛ به بیان دیگر، آیا یافته‌ها در زمینه‌ها یا محدوده‌های دیگر هم کاربرد دارند یا خیر؛ (۳) وابستگی داشتن<sup>۲۶</sup> که با واژه اعتبار موازی است؛ به عبارت دیگر، آیا یافته‌ها در زمان‌های دیگر احتمال کاربرد زیادی دارند یا خیر؛ (۴) تأییدپذیر بودن<sup>۲۷</sup> که به موازات عینیت است؛ (۵) مرتبط بودن<sup>۲۸</sup> که معادل روایی محتواس است و از لحاظ اهمیت موضوع در حیطه دانشی اصلی‌اش یا نقش آن در ادبیات آن حیطه دانشی ارزیابی می‌شود (Karami Dehkordi, 2012).

تحلیل تکرار شده بررسی شدند. فاصله مرکز حوضه آبخیز دوراهان تا مرکز شهرستان (بروجن) ۵۰ کیلومتر و تا شهرکرد (مرکز استان) حدود ۱۱۰ کیلومتر است. این حوضه با مساحت ۱۲ هزار و ۱۰۰ هکتار در جنوب شهرستان بروجن واقع شده و یکی از زیرحوضه‌های رودخانه ونک از سرشاخه‌های رودخانه ارمند و کارون است. روستاهای این حوضه عبارت‌اند از: دوراهان، ده‌توت، ده‌خدا، گردبیشه، ده‌باغ و ده‌علی. حوضه آبخیز چشمه‌علی نیز وسعتی به اندازه ۳۷۸۲ هکتار دارد. روستاهای این حوضه عبارت‌اند از: چشمه‌علی و له‌دراز.

با توجه به روش تجزیه و تحلیل الگوی تضاد، در گردآوری داده‌ها از مطالعه موردی با کمک فنون کیفی پژوهش‌های اجتماعی مانند تجزیه و تحلیل اسناد، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ نفر، گروه‌های متمرکز در شش روستا، فنون مشارکتی ترسیمی و مشاهده استفاده شد. انتخاب افراد در مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز بر اساس روش نمونه‌گیری گلوله برفی صورت گرفت. به منظور ترسیم الگوهای تضاد اقدامات زیر به صورت نظام‌مند انجام گرفت: الف) شناسایی کنشگران کلیدی و مرتبط با حوضه، حوزه عمل، منافع و منابع آن‌ها با استفاده از مصاحبه و گروه‌های متمرکز از طریق کنشگرهای کلیدی شامل اعضای شوراهای روستایی، کارکنان اداره کل منابع طبیعی استان و شهرستان، کارکنان ترویج و جهاد کشاورزی سطح دهستان و شهرستان؛ ب) تحلیل و مقایسه منابع و تعیین تفاوت‌ها، تضادها یا برعکس، هم‌سویی منافع هر یک از کنشگران و ترسیم الگوی تضاد بین کنشگران مختلف در سطوح جغرافیایی متفاوت. در حقیقت، الگوی تضاد بر جدول گرافیکی دوبعدی استوار است که در سطحی از این جدول، نمادها و گروه‌ها در سطوح جغرافیایی

23. Trust worthiness
24. Credibility
25. Transferability
26. Dependability
27. Confirm ability
28. Relevance

در حقیقت، الگوی تضاد از جدولی گرافیکی دوبعدی شکل گرفته که در یک بعد از آن، نمادها و گروه‌ها در سطوح جغرافیایی مختلف (از محل گرفته تا سطح کشور) قرار می‌گیرند و در بعد دیگر این جدول، کنشگران بیرونی جای دارند. برای نمونه، الگویی از روستای دوراهان در تصویر شماره ۲ آورده شده است.

همان‌طور که در تصویر شماره ۲ مشاهده می‌شود، مردم روستای دوراهان به دلیل سیاست‌های حفاظت از منابع ملی، با اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان و اداره منابع طبیعی شهرستان تضاد مالکیتی دارند. همچنین، مردم از یک سو به دلیل دیدگاه‌های حرفه‌گرایی معمول برای افزایش محصول، و از سوی دیگر، به دلیل مشکل تأمین آب و انتقال آن، با سازمان جهاد کشاورزی استان و مدیریت جهاد کشاورزی تضاد دارند که این تضاد به صورت اختلاف و ناراضی‌نمایی نمایان شده است. اما با وجود اختلاف بین این دو کنشگر، منافع آن‌ها در تولید محصولات کشاورزی با یکدیگر هم‌سو است. افزون بر این، مردم روستا با مرکز خدمات کشاورزی به دلیل خدمات‌رسانی نامناسب، با اداره آب به دلیل تأمین نکردن آب شرب، با تعاونی روستا به دلیل فراهم‌نکردن مایحتاج مردم، با شورای حل اختلاف به دلیل تصمیم‌گیری‌های ناعادلانه و با شورای اسلامی روستا به دلیل حمایت‌نکردن از مردم، تضاد دارند که این تضاد نیز به صورت اختلاف و ناراضی‌نمایی بروز کرده است. از طرفی، همان‌طور که در تصویر شماره ۲ مشخص است، منافع مردم روستا با منافع اداره امور عشایر هم‌سو است و این دو کنشگر با یکدیگر تضاد ندارند. تضاد بین کنشگران بیرونی و درونی، تأثیرات و پیامدهای زیادی به بار آورده است.

از میان این تأثیرات، تضعیف معیشت مردم و به دنبال آن، مهاجرت محسوس‌تر مشاهده می‌شود. بنابراین، جامعه محلی راهبردهای جدیدی برای کاهش این آسیب‌پذیری در پیش گرفته است که می‌توان آن‌ها را در دو دسته تقسیم‌بندی کرد: (۱) مهاجرت از روستا به شهر که مهم‌ترین راهبرد جامعه محلی در مقابله با تضاد است؛ (۲) تغییر شغل از کشاورزی به فعالیت‌های

با توجه به رهنمودهای ارائه‌شده بین (۲۰۰۳) در خصوص مطالعه موردی، در این پژوهش برای بررسی روایی یا اعتمادپذیر بودن طرح از نظر ساختاری، داده‌ها از چند منبع اطلاعات جمع‌آوری شدند تا زنجیره‌های اطلاعات ضروری به دست آید. همچنین، برای بررسی اعتمادپذیر بودن طرح پژوهش از نظر عوامل داخلی، هنگام تجزیه و تحلیل داده‌ها، به مقایسه الگوها به‌ویژه الگوی ارزیابی تضاد بین کنشگران پرداخته شد. برای بررسی اعتمادپذیر بودن طرح از نظر عوامل بیرونی، این پژوهش در دو حوضه آبخیز با منابع مختلف طبیعی (بررسی در چند روستای هر حوضه در قالب پژوهش چندموردی) بررسی شد. داده‌ها با استفاده از فنون تحلیل نقلی و مقوله‌سازی مفاهیم تجزیه و تحلیل شدند.

### یافته‌ها

کنشگران مختلفی در دو حوضه آبخیز وجود داشتند. این کنشگران منافع مختلفی داشتند و برای دستیابی به این منافع تلاش می‌کردند. در بسیاری موارد، ذی‌نفعان به علت نیازها و منافع متضاد دچار رقابت و درگیری می‌شوند. مثلاً از سویی کارشناسان منابع طبیعی در پی حفاظت از منابع ملی هستند و از سوی دیگر، مردم ساکن حوضه به دنبال تولیدات زراعی، باغی و دامی برای تأمین معیشت خانوار و بهره‌برداری از گونه‌های خوراکی و دارویی مراع هستند. این منافع به شکل تضاد ظهور پیدا کرده و باعث ایجاد اختلاف و درگیری بین مردم و منابع طبیعی شده است. در جدول شماره ۱، نمونه‌هایی از نقل قول مستقیم کنشگران درباره منافعشان آورده شده است.

### ترسیم الگوی تضاد بین کنشگران

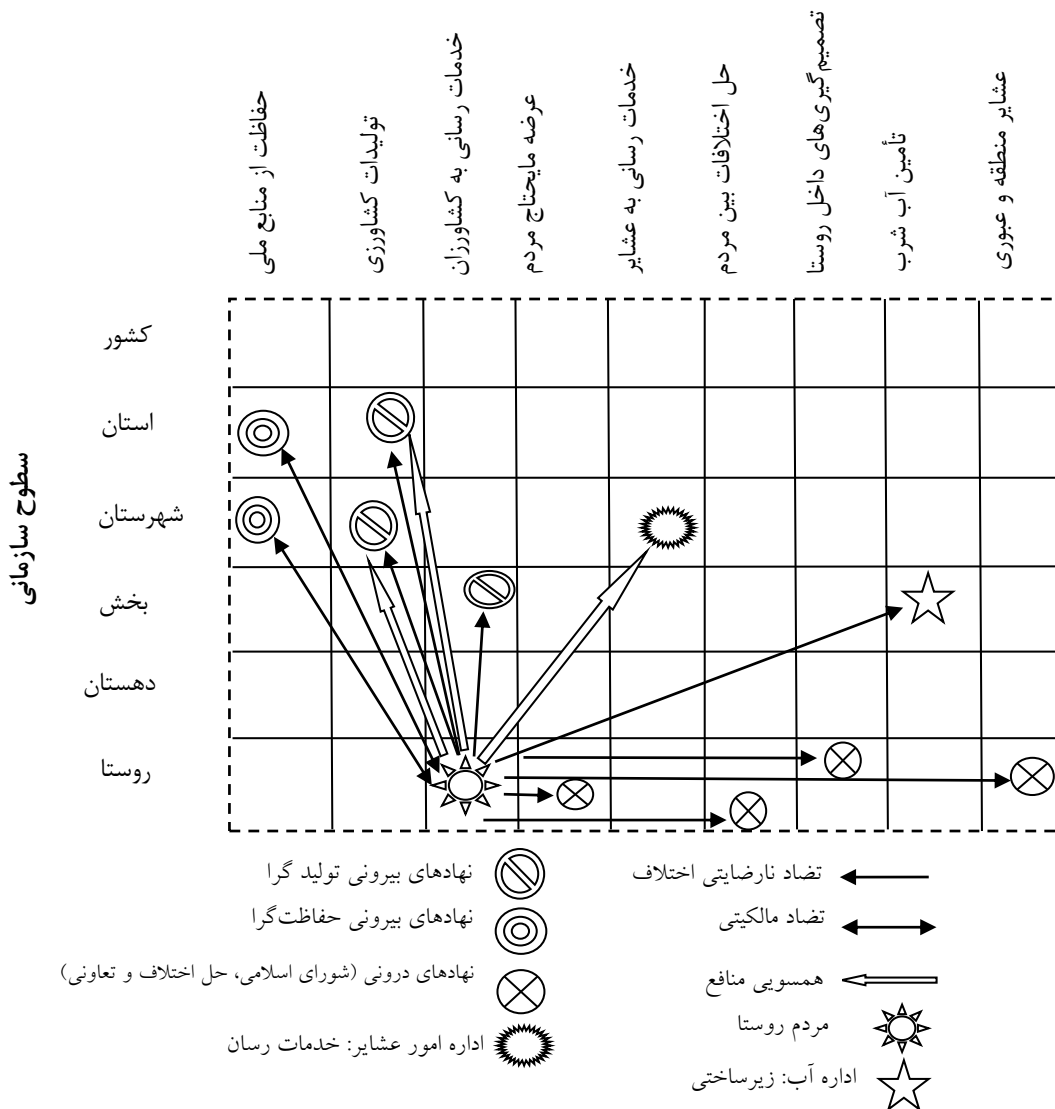
با شناختن انواع کنشگران، جهت‌گیری‌ها، منابع و منافع آن‌ها، امکان رسم تصویری از وضعیت عرصه کنشگران میسر می‌شود.

29. Yin

جدول ۱. نمونه‌هایی از نقل قول‌های مستقیم کنشگران درباره منافعشان

نقل قول	کارشناسان/کنشگران
منافع ما منافع حاکمیتی است. ما به لحاظ وظایف حاکمیتی که داریم، منافی را دنبال می‌کنیم که این منافع جزء منافع ملی است و در آینده این منافع می‌توانند بسیار مفید و مؤثر باشند. برای مثال، ما حفاظت خاک می‌کنیم. حفاظت خاک، تأمین آب رودخانه‌ها را برای نسل‌های آینده تضمین می‌کند. این منافی است که هم به لحاظ حاکمیتی برای ما تعریف شده هم به لحاظ اجتماعی می‌توان آن را تعریف کرد برای نسل‌های آینده.	کنشگران حفاظت‌گرا
منافع ما افزایش تولید محصولات کشاورزی برای تأمین غذای مردم و حفظ آب و خاک است. این منافع دولتی است؛ یعنی منافع خاص سازمان یا وزارت‌خانه نیست، این منافع ملی دارد و منابع آن باید حفظ شود.	کنشگران تولیدگرا
منافع ما دامداری و زراعت است. مردم روستا برای گذراندن زندگی خود با مشکل مواجه هستند. به خاطر همین، بیشتر منابع اینجا ملی اعلام شده است. کشاورزی وسیع و مکانیزه نیست و جوانان روستا مجبور هستند که مهاجرت کنند.	مردم حوضه

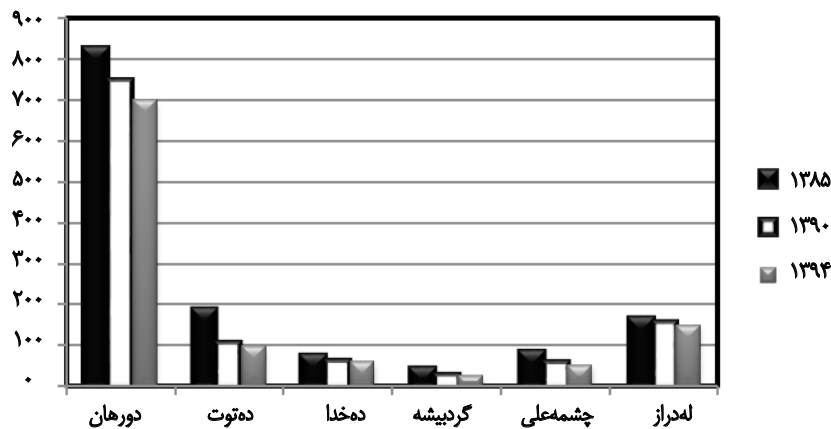
حوزه سیاست



تصویر ۲. نمونه‌ای از نمایش گرافیکی الگوی تضاد در روستای دوراهان

تضعیف و آسیب پذیری معیشت ناشی از تضاد، نه تنها مهاجرت خانوارهای روستایی به ویژه جوانان روستایی به مناطق دیگر را به همراه داشته است و راهبردهای کنونی معیشت و سرمایه‌های طبیعی فیزیکی خانوارها را تهدید می‌کند، بلکه سرمایه اجتماعی آن‌ها را نیز تضعیف کرده است؛ به گونه‌ای که سطح روابط بین مردم روستا در مقایسه با سال‌های گذشته بسیار کاهش یافته است. در ادامه، نقل قول یکی از معتمدان محلی روستای دوراهان آورده شده است: «در قدیم مردم به هم خیلی اعتماد داشتند، به هم کمک می‌کردند، روابط و شب‌نشینی‌ها زیاد بود. در کل، صمیمیت بین مردم خیلی زیاد بود، ولی الان این طور نیست. مردم روستا اعتماد زیادی به هم ندارند؛ خصوصاً اختلافات با اداره منابع طبیعی باعث شده مردم روستا به افرادی که ارتباط خوبی

خدماتی غیر کشاورزی مانند: الف) کارگری غیر کشاورزی در خارج از حوضه ب) شغل‌های رانندگی و فروشندگی. همان طور که تصویر شماره ۳ نشان می‌دهد، طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، تعداد خانوارهای روستای ده توت در این سال، ۵۶ خانوار محاسبه شد، اما به گفته اعضای شورای این روستا، پس از مهاجرت ۲۹ خانوار، تعداد خانوار آن در سال ۱۳۹۳ به ۲۷ خانوار کاهش یافت که بیشتر، افراد مسن را در برمی‌گرفت. همچنین، جمعیت روستای دوراهان از ۸۲۹ نفر در سال ۱۳۸۵، به ۷۰۰ نفر در سال ۱۳۹۳ رسید، اما تعداد خانوار این روستا از ۲۱۵ خانوار به ۲۲۱ خانوار افزایش یافت. این موضوع نشان می‌دهد در روستای ده توت، بیشتر، خانوارها مهاجرت کرده‌اند، اما در روستای دوراهان، بیشتر، افراد درون خانوارها دست به مهاجرت زده‌اند.



کتابخانه پژوهش‌های روستایی

تصویر ۳. وضعیت مهاجرت در روستاهای حوضه‌های دوراهان و چشمه‌علی

\* منبع اطلاعات سال ۱۳۵۸ و ۱۳۹۰: مرکز آمار ایران (۱۳۸۶ و ۱۳۹۱)

\*\* منبع اطلاعات سال ۱۳۹۴ از شوراهای اسلامی روستا و خانه بهداشت به دست آمده است.

با کارشناسان منابع طبیعی دارند، با چشمی دیگر نگاه کنند»

البته عشایر خودمان هم چند بار با کشاورزان روستا به علت ورود دام‌ها به قسمتی از زمین‌های کشاورزی آن‌ها درگیری پیدا کردند. در کل، اعتماد مردم به عشایر عبوری بسیار کم است، اما نسبت به عشایر منطقه خودمان اعتمادها نسبت به عشایر عبوری بهتر است.»

کاهش اعتماد به عشایر منطقه و عشایر عبوری نیز از پیامدهای دیگر تضاد در جامعه روستایی است. عشایر عبوری هنگام ییلاق و قشلاق از مراتع حوضه دوراهان و چشمه‌علی گذر می‌کنند. با توجه به اینکه بسیاری از مراتع، منابع ملی اعلام شده و مراتع در ماه‌های فروردین و اردیبهشت قرق هستند، تخریب مراتع به دست عشایر، به‌ویژه عشایر عبوری باعث ایجاد تضاد و از بین رفتن اعتماد مردم نسبت به آن‌ها شده است. کشاورزان حوضه‌های آبخیز بیان کردند که این عشایر گاهی به اراضی کشاورزی آن‌ها نیز وارد شده‌اند و در نتیجه، اختلاف، نزاع و درگیری بین مردم روستا و عشایر آن و به‌ویژه عشایر عبوری بسیار زیاد مشاهده شده و بنابراین، اعتماد بین این دو گروه کاهش شدیدی داشته است. در این زمینه، نمونه‌ای از نقل قول‌ها در زیر آورده شده است:

کاهش اعتماد مردم روستایی به کنشگران بیرونی یکی دیگر از تأثیرات تضاد است. مردم حوضه بیان کردند که به کارشناسان منابع طبیعی هیچ اعتمادی ندارند و سرمایه اجتماعی بین این دو کنشگر در حد بسیار کم است. در خصوص اعتماد به کنشگران تولیدگر باید گفت که اعتماد مردم به کارشناسان جهاد کشاورزی و مرکز خدمات نیز کاهش یافته است، اما هم شدت تضاد و هم میزان کاهش اعتماد به این کنشگران به کنشگران حفاظت‌گرا کمتر بوده است؛ به طوری که تضاد با این کنشگران بیشتر به شکل نارضایتی ناشی از ارائه خدمات بوده است. درباره حفاظت از منابع ملی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

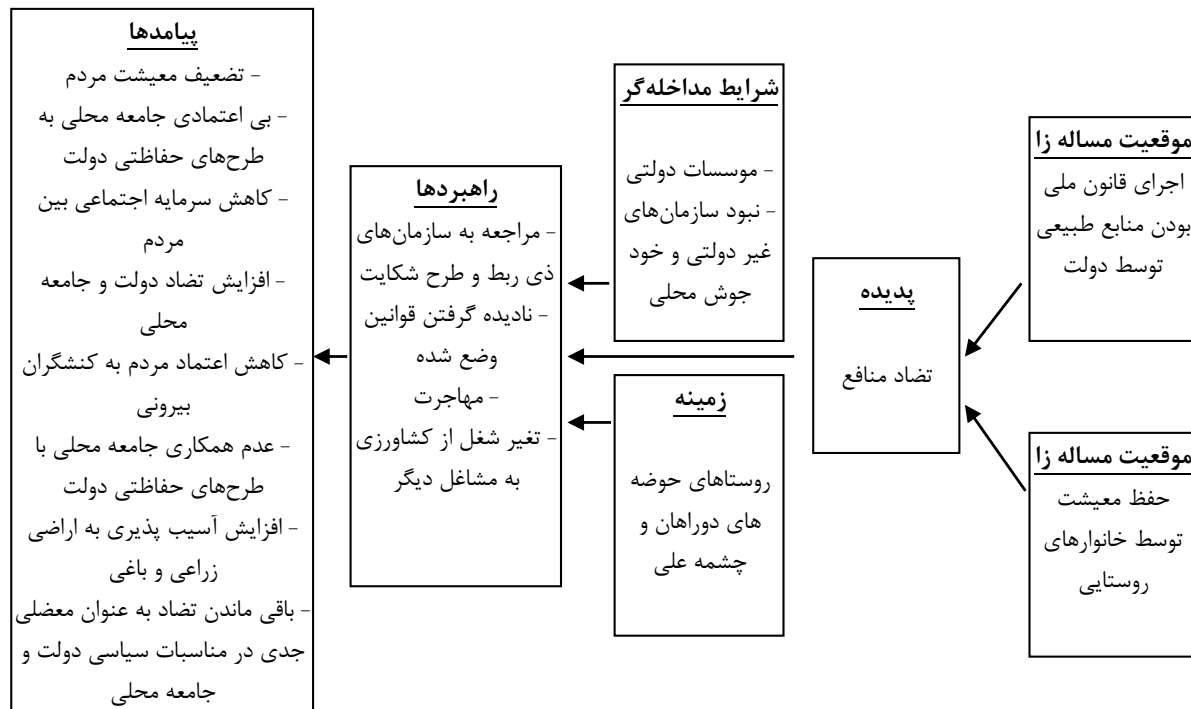
«عشایر عبوری باعث تخریب مراتع می‌شوند، بعد چوب این کار را باید دامدار یا عشایر منطقه خودمان بخورد. در این دوسه سال اخیر چند درگیری بین دامداران روستا با عشایر عبوری اتفاق افتاد.

برخی افراد به دلایلی مانند تضعیف معیشت خود و مشارکت ندادن آنان در برنامه‌های حفاظت از منابع ملی، بیان کردند که

جدول ۲. نقل قول مستقیم روستاییان درباره بهتر شدن پوشش گیاهی مراتع

روستا	نقل قول مستقیم
دوراهان	قرق مراتع در بهار خیلی باعث افزایش پوشش گیاهی مراتع شده است. الان مراتع ما از لحاظ پوشش گیاهی بسیار خوب هستند. دام‌ها اگر در این فصل وارد مرتع شوند، دو سال دیگر همین مرتع را هم نخواهیم داشت و از بین می‌رود.
ده توت	قوانینی که اداره منابع طبیعی گذاشته، درست است باعث افزایش پوشش گیاهی مرتع شده است، ولی مردم برای گذران زندگی با مشکل مواجه شدند. باید برای این مسئله راه‌حلی پیدا کنیم. هم اداره منابع طبیعی حق دارد و هم مردم درست می‌گویند.
چشمه‌علی	آدم باید خدایی قضاوت کند. ما می‌دانیم که نباید دام زیادی به مرتع ببریم، ولی چاره‌ای نداریم. قوانین منابع طبیعی باعث شده پوشش گیاهی مراتع بهتر شود حتی بعضی گیاهان مرتعی که مقدار آن‌ها کم شده بود مثل «شوخ» بیشتر به چشم می‌خورد، اما در بعضی موارد مثل ملی اعلام کردن اراضی کشاورزی و منازل مسکونی نباید حق را به آن‌ها داد.

کتابخانه پژوهش‌های روستایی



تصویر ۴. پیامدهای ناشی از تأثیر تضاد منافع بین اداره کل منابع طبیعی و مردم روستاهای حوضه

محلی برای برطرف کردن نیازهای معیشت خانوار خود باید از منابع طبیعی بهره‌برداری کنند و به علت اینکه بهره‌برداری‌های صورت گرفته از این منابع بیش از ظرفیت مراع بوده است، بین مردم این دو حوضه با کنشگران حفاظت‌گرا تضاد ایجاد شده است. تضاد به‌وجودآمده بین این دو کنشگر بیشتر بر سر مالکیت زمین و مرتع است.

در حقیقت، ریشه این تضاد ناشی از آن است که روستاییان حوضه‌های آبخیز به دلیل کمبود شغل در استان، برای تأمین معیشت خانوار خود وابستگی بسیار زیادی به منابع طبیعی دارند. به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی در استان، به‌ویژه در مناطق دورافتاده از مرکز استان مانند روستاهای واقع در دهستان دوراهان، مردم ساکن حوضه‌های آبخیز ناچارند معیشت خود را از طریق طبیعت تأمین کنند. از طرفی، به دلیل اینکه بهره‌برداری‌های صورت گرفته از منابع طبیعی بیش از حد توان طبیعت است، کنشگرهایی مانند اداره منابع طبیعی که متولی حفاظت از طبیعت و منابع ملی است، از این بهره‌برداری‌های بیش از حد جلوگیری کرده و در نتیجه، بین این دو کنشگر تضاد شکل گرفته است که این موضوع، موجب پیامدهای منفی گوناگونی شده است.

برای مدیریت این تضادها افراد و گروه‌ها ممکن است سبک‌های متفاوتی در پیش بگیرند. در حقیقت، سبک‌های مدیریت تضاد، نگرشی کلی برای پاسخ‌گویی به تضاد موجود در تعاملات افراد است (Kantek & Gezer, 2009). در همین زمینه، کوک (۲۰۱۰)

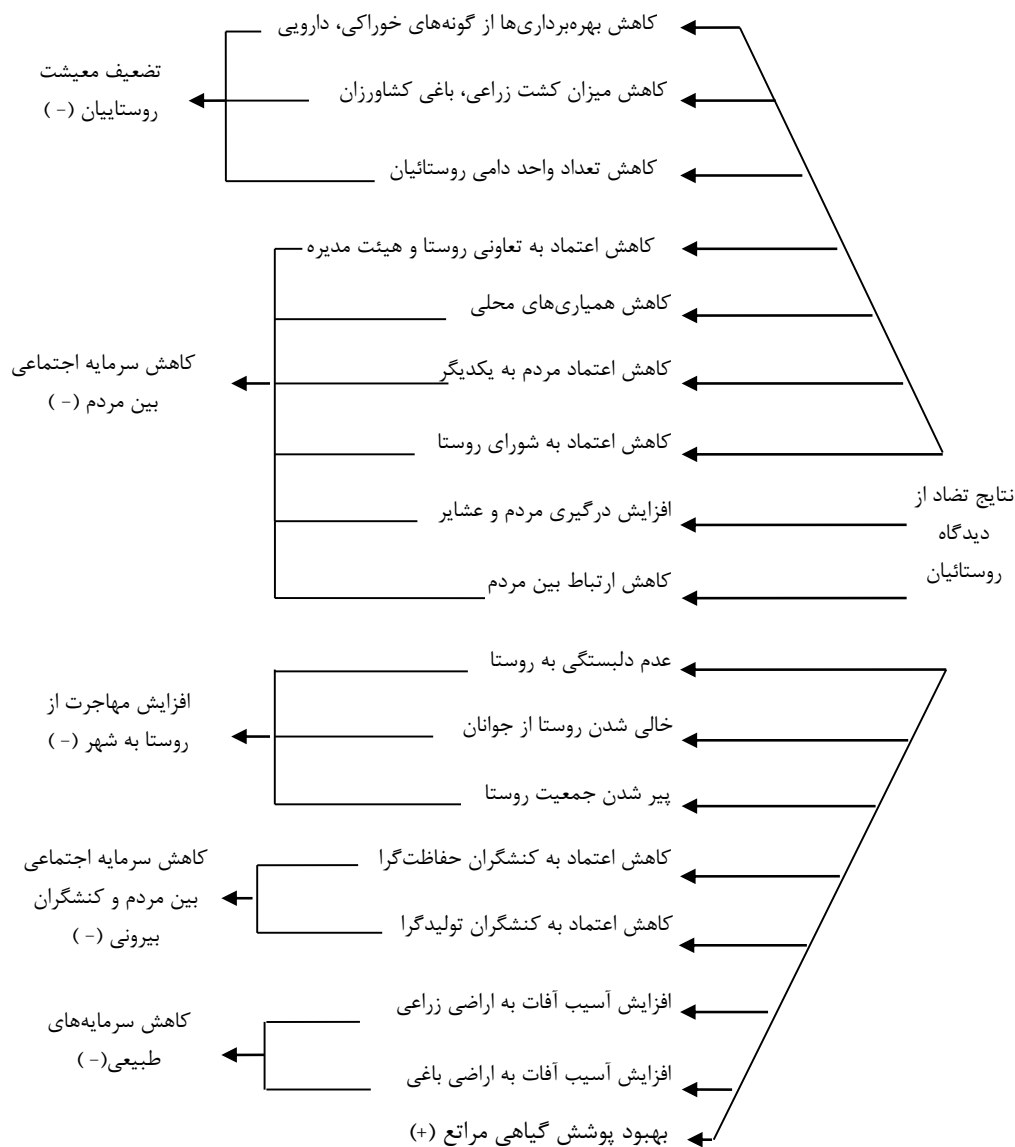
اقدامات حفاظتی از طرف اداره منابع طبیعی ثمربخش نبوده و برعکس، باعث شده است تا از منابع ملی حفاظت نشود. در مقابل، افرادی دیگر برنامه‌های حفاظتی را که به دست اداره منابع طبیعی انجام شده، باعث افزایش پوشش گیاهی مرتع و به طور کلی حفظ منابع ملی می‌دانستند (جدول شماره ۲).

در تصویر شماره ۴ پیامدهای ناشی از تأثیر تضاد منافع بین اداره کل منابع طبیعی و مردم روستاهای حوضه آورده شده است. همچنین، در تصویر شماره ۵ نتایج تضاد از دیدگاه روستاییان نمایش داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تضاد بین کنشگران باعث تضعیف معیشت خانوارهای روستایی، مهاجرت خانوارها از روستا و کاهش سرمایه‌های اجتماعی شده است. اما با وجود پیامدهای منفی، تضاد در برخی موارد نتایج مثبت بر جای گذاشته است. در حقیقت، حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از بهره‌برداری‌های بی‌رویه به دست کارشناسان منابع طبیعی، با وجود ایجاد تضاد، باعث بهبود پوشش گیاهی در بعضی مناطق شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

کنشگران متعددی در دو حوضه آبخیز بررسی شده وجود دارند که برای دستیابی به این منافع تلاش می‌کنند. در این بین، مهم‌ترین آن‌ها کنشگران حفاظت‌گرا هستند. این کنشگرها بر اساس منفعی که دارند، به دنبال حفاظت و حراست از منابع طبیعی به مثابه منابع خدادادی هستند. از طرف دیگر، جوامع





تصویر ۵. نتایج تضاد بین کنشگران اجتماعی از دیدگاه روستائیان

سبک‌های مدیریت تضاد را بر اساس سطحی از مشارکت<sup>۳۰</sup> به شرح زیر بیان می‌کند:

(۱) سبک رقابتی<sup>۳۱</sup>: در این سبک از مدیریت تضاد، به برآورده کردن منافع خود تمایل وجود دارد و به نگرش طرف مقابل توجهی نمی‌شود؛ (۲) سبک همکاری یا تشریک مساعی<sup>۳۲</sup>: این سبک از مدیریت تضاد، معرف موقعیتی است که در آن همه طرفین تضاد، از طریق سبک همکاری به دنبال به حساب آوردن منافع طرفین به طور کامل هستند. هنگامی که طرفین، سبک

همکاری را انتخاب می‌کنند، راه‌حل بردبرد به وجود می‌آید که طرفین به کمک آن می‌توانند کاملاً به اهدافشان برسند؛ (۳) سبک اجتناب یا دوری‌گزینی<sup>۳۳</sup>: در این سبک از مدیریت تضاد، تمایل به سمت اجتناب از تضاد یا جلوگیری از وقوع تضاد است. در این حالت، طرفین به طور عمد تضاد مشخصی را انکار می‌کنند و از کسانی که در تضاد و درگیری وارد شده‌اند می‌خواهند تا از آن اجتناب کنند؛ (۴) سبک تعدیل‌گری<sup>۳۴</sup>: در این سبک، یکی از طرفین تمایل دارد منافع طرف مخالف را مقدم بر منافع خود قرار دهد تا به این وسیله بتواند روابط خود را با آن حفظ کند؛ در

30. Assertiveness and Cooperativeness

31. Competing

32. Collaborating

33. Avoiding

34. Accommodating

مراعات به صورت پایدار در گرو ارائه برنامه‌های ترویجی و بهبود دانش و مهارت‌های بهره‌برداران در خصوص شیوه‌های متداول و نوین کشاورزی و غیرکشاورزی است. به این ترتیب، بهره‌برداران امکان خواهند یافت تا توانمندی‌های لازم را برای به‌کارگیری راهبردهای تنوع‌بخش به معیشت خود، پیاده کنند.

پیشنهاد دیگر، حمایت از حق بهره‌برداری از مراعات است. دولت باید وضعیتی فراهم کند تا بهره‌برداران بتوانند به طور ثابت و مطمئن به شغل مرتع‌داری و دامداری بپردازند و به کسب درآمد ثابت دلگرم شوند. از آنجا که پاسخ‌گویان و مشارکت‌کنندگان بیان کردند که به فعالیت‌های مکمل معیشت مانند پرورش زنبور عسل، پرورش قارچ و پرورش ماهی علاقه زیادی دارند اما توان اقتصادی چندانی ندارند، پیشنهاد می‌شود دولت در این زمینه اقداماتی مانند پرداخت اعتبارات مالی و نهاده‌ای انجام دهد تا هم از فشار بر مراعات کاسته شود و هم معیشت خانوارهای بهره‌بردار بهبود یابد.

سازمان جنگل‌ها و مراعات کشور با تجهیز گروه‌های مطالعاتی خاص به گردآوری اطلاعات مربوط به دانش بومی اهالی در هر منطقه بپردازد. سپس، به طبقه‌بندی و سازگاری این روش‌ها و دانش‌های علمی نوین در زمینه‌های مربوط اقدام کند و سرانجام از ترکیب و تلفیق این دو دسته دانش (دانش بومی و دانش جدید) رهیافت‌های جدیدی در زمینه بهبود مراعات تدوین و طراحی کند.

#### تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در رشته توسعه روستایی است؛ از زحمات استاد راهنمای ارجمندم جناب آقای دکتر اسماعیل کرمی دهکردی که در کمال سعه صدر از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نکردند و از جناب آقای دکتر عطاالله ابراهیمی که زحمت مشاوره پایان‌نامه را متقبل شدند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

حقیقت، برای حفظ روابط به طرف مقابل امتیازاتی می‌دهد؛ (۵) سبک مصالحه‌گری یا تسهیم<sup>۳۵</sup>: در این سبک، هر یک از طرفین به رها کردن چیزی تمایل دارد که ممکن است به اصطلاح «پیروزی جزئی»<sup>۳۶</sup> توصیف شود.

وارنر<sup>۳۷</sup> (۲۰۰۰) نیز به طرز مشابه پنج راهبرد کلیدی مدیریت تضاد را به صورت زیر برمی‌شمارد. بسته به اینکه یک طرف اختلاف تا چه حد به استمرار روابط خوب با دیگر طرفین اهمیت می‌دهد و میزان اهمیتی که هر طرف صرفاً برای رسیدن به اهداف خودش قائل می‌شود، این پنج رویکرد متفاوت هستند:

(۱) فشار آوردن یا اجبار کردن: تضاد را هنگامی می‌توان با زور و اجبار مدیریت کرد که یکی از طرفین ابزار و تمایل لازم را برای برنده‌شدن داشته باشد؛ صرف‌نظر از اینکه طرف دیگر زیان ببیند یا روند برنده‌شدن به روابط شخصی آسیب برساند؛ (۲) کناره‌گیری: کناره‌گیری رویکردی مناسب برای مدیریت تضاد در حالتی است که طرفین به رویارویی با هم تمایل ندارند که این موضوع، مانع از دستیابی به هدف‌هایشان می‌شود. قدرت کناره‌گیری (مثبت یا منفی) را نباید دست‌کم گرفت. این رویکرد را می‌توان در قالب تهدید به کار برد تا طرفین بی‌میل و برخی مواقع قدرتمندتر به شکلی توافقی‌تر به گفت‌وگو مجبور شوند؛ (۳) مصالحه یا سازش: مصالحه اغلب با توافق اشتباه گرفته می‌شود. مصالحه کردن در مذاکره ممکن است به نظر مثبت تلقی شود، اما به این معناست که حداقل یکی از طرفین به این نتیجه می‌رسد که باید از بخشی از منافع خود چشم‌پوشی کند. در برنامه‌ریزی پروژه‌های مدیریت منابع طبیعی اجتماع‌محور، با توجه به ضرورت تصمیم‌گیری عقلانی در تخصیص منابع، اکنون مصالحه و به‌خصوص مفهوم سازش/مبادله، شیوه غالب به شمار می‌رود؛ (۴) توافق عام: فرایند توافق عام یا اجماع‌سازی گاهی اوقات حاوی عناصر مصالحه در توافق نهایی است، اما بین این دو رهیافت نیز تفاوت‌های کلیدی وجود دارد. اجماع‌سازی به‌روشنی از مبادله یا بده‌بستان دوری می‌ورزد؛ در عوض، به دنبال دستیابی به نتیجه بردبرد است. در مقابل، رویکرد مصالحه‌ای به دنبال به حداقل رساندن مواردی است که مبادلات یا بده‌بستان‌های اجتناب‌ناپذیر خوانده می‌شوند؛ (۵) تعدیل‌گری.

با توجه به گستردگی اراضی ملی باید تلاش شود تا این اراضی در خدمت تولید و اشتغال پایدار و بدون تخریب منابع قرار گیرد که در این صورت، شاهد تحول بسیار بزرگی در این عرصه خواهیم بود. برای مثال، می‌توان در قالب طرح‌هایی مانند طرح «طوبی» از بهره‌برداران حمایت کرد و از سوی دیگر، به همت مسئولان می‌توان بر جنبه اقتصادی حفظ و احیای منابع طبیعی افزود. از دیگر پیشنهادها در این زمینه می‌توان به ارائه برنامه‌های ترویج تنوع‌سازی معیشت به بهره‌برداران اشاره کرد. دستیابی به برنامه‌های حفاظت

35. Compromising or sharing

36. Partial victory

37. Warner

## References

- Agheli, L., & Sadeghi, H. (2005). [Estimation the economic impact of soil eradication in Iran (Persian)]. *The Economic Research*, 15, 87-100.
- Ansari, N., Seyed Akhlaghi, S. J., & Ghasemi, M. (2009). [Determination of socio-economic factors on natural resources degradation of Iran (Persian)]. *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 15(4), 508-24.
- Fisher, R. (2000). *Sources of conflict and methods of conflict resolution*. Washington, D.C.: International Peace and Conflict Resolution.
- Food and Agriculture Organization. (2006). *Global forest resources assessment 2005: Progress towards sustainable forest management*. Rome: Food and Agriculture Organization.
- Grimble, R., & Wellard, K. (1997). Stakeholder methodologies in natural resource management: A review of principles, contexts, experiences and opportunities. *Agricultural Systems*, 55(2), 173-193. doi: 10.1016/s0308-521x(97)00006-1
- Helvetas Swiss Intercooperation. (2010). *Helvetas guiding natural resources and conflict*. Zurich: Helvetas Swiss Intercooperation.
- Hjorts, C. N., Christensen, S. M., & Tarp, P. (2005). Rapid stakeholder and conflict assessment for natural resource management using cognitive mapping: The case of damdoi forest enterprise, Vietnam. *Agriculture and Human Values*, 22(2), 149-67. doi: 10.1007/s10460-004-8275-z
- Kantek, F., & Gezer, N. (2009). Conflict in schools: Student nurses' conflict management styles. *Nurse Education Today*, 29(1), 100-7. doi: 10.1016/j.nedt.2008.07.007
- Karami Dehkordi, E. (2012). [Research method in rural development (Persian)] [Classroom notes]. Zanjan: Department of Extension, Communication and Rural Development.
- Karamidehkordi, E. (2012). Sustainable Natural Resource Management, a Global Challenge of This Century. In: Kaswamila A, (Ed.). *Sustainable Natural Resources Management* (pp. 105-114). Rijeka, Croatia: InTech.
- Koc, E. (2010). Services and conflict management: Cultural and European integration perspectives. *International Journal of Intercultural Relations*, 34(1), 88-96. doi: 10.1016/j.ijintrel.2009.08.003
- Makhdoum, M. F., Jafarzade, H., Darvishsefat, A. A., & Makhdoum, A. F. (2012). [Environmental evaluation and planning by geographic information system (Persian)]. Tehran: University of Tehran Publication.
- Management and Planning Organisation. [First national report of human development in Iran (Persian)]. Tehran: Management and Planning Organisation; 2008.
- O'Lear, S. (2005). Resource concerns for territorial conflict. *GeoJournal*, 64(4), 297-306. doi: 10.1007/s10708-005-5808-y.
- Ramirez R. (1999). Stakeholder analysis and conflict management. In D. Buckles (ed.), *Cultivating peace: Conflict and collaboration in natural resource management* (pp. 101-26). Washington, D. C.: World Bank Institute.
- Reichel, C., Frömming, U. U., & Glaser, M. (2009). Conflicts between stakeholder groups affecting the ecology and economy of the Segara Anakan region. *Regional Environmental Change*, 9(4), 335-343. doi: 10.1007/s10113-009-0085-9
- Roudgarmi, P., Anssari, N., & Farahani, E. (2011). [Determining effective socio-economic factors on degradation of Natural Resources in Tehran province (Persian)]. *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 18(1), 151-71.
- Sanginga, P. C., Kamugisha, R. N., & Martin, A. M. (2007). Conflicts management, social capital and adoption of agroforestry technologies: Empirical findings from the highlands of southwestern Uganda. *Agroforestry Systems*, 69(1), 67-76. doi: 10.1007/s10457-006-9018-5
- Sauer, A. (2008). Conflict pattern analysis: Preparing the ground for participation in policy implementation. *Systemic Practice and Action Research*, 21(6), 497-515. doi: 10.1007/s11213-008-9106-8.
- Seyed Akhlaghi, S. J., Ansari, N., & Yusof Kalafi, S. (2012). [Investigation of socio-economic factors on natural resources degradation of Ardebil province from the viewpoint of utilizers and experts (Persian)]. *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 19(1), 133-48.
- Shafiee, F., Rezvanfar, A., Hossini, S. M., Sarmadian, F. (2008). [Opinion survey on soil conservation practices (The case study of Karkheh and Dez Watershed's Farmer's Attitude, Khuzestan, Iran) (Persian)]. *Iran Watershed Management Science & Engineering*, 2(3), 3-10.
- Warner, M. (2000). *Conflict management in community-based natural resource projects: experiences from Fiji and Papua New Guinea*. London: Overseas Development Institute.
- Yin, R. (2003). *Case study research: Design and methods*. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Zartman, I. W. (1996). *Governance as conflict management: Politics and violence in West Africa*. Washington, D. C.: Brookings Institution Press.